



① نقاشی سفارشی دیکتاتور عراق. تصویری از صدام و نبوکدنصر پادشاه بابل قدیم در این نقاشی دیده می‌شوند. صدام علاقه داشت با نامداران تاریخ قیاس شود.

## × ضربه‌ی نهایی

آزادی خرمشهر آخرین ضربه بر حیثیت صدام بود. به روایت ژنرال حمدانی، صدام «سرنوشت خود را به پیروزی در این جنگ گره زده بود. اگر او در این جنگ پیروز نمی‌شد مشروعیت او دچار خدشه می‌شد.» در دو سالی که از جنگ می‌گذشت خرمشهر به نهادی از جنگ تبدیل شده بود و بازگشت آن به ایرانیان بزرگ‌ترین شکست صدام محسوب می‌شد. کان کاکلین با اشاره به شکست‌های پی‌درپی صدام که با آزادی خرمشهر تکمیل شد، صدام را در آستانه‌ی برکناری توصیف کرده است و توضیح داده که «از همان آغاز جنگ با ایران، جار و جنجال بی‌وقفه‌ی دستگاه تبلیغاتی صدام این نکته را روشن کرده بود که این جنگ، جنگ صدام است؛ اگر در جنگ پیروز می‌شد، این پیروزی او بود و اگر در این جنگ شکست می‌خورد، مسئولیت شکست کاملاً به عهده‌ی او بود.»

## × فرار از مخمصه

صدام با حربه‌هایی تا حدی از این وضعیت اسفناک رهایی یافت؛ یکی خشونت بی‌حد و حصر و دیگری پروپاگاندا‌ی تبلیغاتی. هنگامی که انقلاب ایران به پیروزی رسید صدام معاون رئیس‌جمهور عراق بود و چند ماه پس از پیروزی انقلاب ایران در یک جابه‌جایی شبه‌کودتا به جای حسن البکر بر صندلی ریاست‌جمهوری عراق تکیه زد؛ «صعود صدام به رأس قدرت توأم با افزایش قابل‌توجه فعالیت‌های سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی عراق

بود. صدام با ایجاد تشکیلات «امن الخاص»، یا «امنیت ویژه» که به زودی تبدیل به بازوی امنیتی قدرقدرت رژیم می‌شد، نهاد‌های امنیتی خود را با ظرافت خاصی احیا و بازسازی کرد. «امن الخاص» جای «مخابرات» را که اندازه و اختیاراتش به طرز قابل توجهی کاهش یافته بود، گرفت. «امن الخاص» عملاً به نیروی امنیتی شخصی صدام تبدیل شد. مدیران

این تشکیلات مستقیماً به دفتر رئیس‌جمهور گزارش می‌دادند. دفتر رئیس‌جمهور نیز به قدری توسعه یافت که بتواند مسئولیت‌های همه‌شمول رئیس‌جمهور جدید را بر عهده بگیرد. در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ ارزیابی می‌شد «نهاد ریاست‌جمهوری» که «امن الخاص» را نیز شامل می‌شد، حدود ۵۸ هزار کارمند ثابت دارد.

زندانی‌های جدیدی ساخته و تکنیک نوین شکنجه طراحی شد تا رژیم ترور بتواند به طرز موثری وظایفش را انجام دهد. شکنجه روی کاغذ، طبق «ماده‌ی ۲۲ قانون اساسی عراق» و «ماده‌ی ۱۲۷ آئین دادرسی کیفری»، ممنوع بود. با این حال، چنین ارزیابی می‌شد تا زمان رئیس‌جمهور شدن، صدام ۱۰۷ روش متفاوت برای شکنجه‌ی دشمنانش خلق کرده بود. شکنجه‌ی دستی شامل کتک زدن، کشیدن مو، فلک کردن (ضربه زدن با چوب به کف پا)، و پیچاندن دست‌ها و پاها با هدف شکنستن بود. دادن شوک برقی برای اخذ اعتراف امری معمول بود و نیز طیف گسترده‌ای از شکنجه‌های روحی و روانی. شکل استاندارد شکنجه، زندانی کردن در سلول انفرادی برای مدتی طولانی بود. برخی از زندانیان را در سلول‌های سرد انداختند تا بدنشان یخ بزند. در موارد دیگر اعضای بدن قربانی را با آتش می‌سوزاندند. دیگر شکنجه‌ی خاص عراق، تجاوز به اعضای بدن قربانی -چه مؤنث چه مذکر- در برابر چشمانش بود. شکنجه‌گران صدام همچنین می‌توانستند از انواع وسایل ماشینی برای قطع اعضای بدن، از انگشتان تا دست‌ها و پاها، استفاده کنند.»

## ۶۱ فروردین

آن‌ها انتظار حمله‌ای به گستردگی آن‌چه انجام شد را نداشتند. اشاره‌ی آنتونی کردزمن به غافلگیری ارتش صدام در عملیات فتح‌المبین

کردن در سلول انفرادی برای مدتی طولانی بود. برخی از زندانیان را در سلول‌های سرد انداختند تا بدنشان یخ بزند. در موارد دیگر اعضای بدن قربانی را با آتش می‌سوزاندند. دیگر شکنجه‌ی خاص عراق، تجاوز به اعضای بدن قربانی -چه مؤنث چه مذکر- در برابر چشمانش بود. شکنجه‌گران صدام همچنین می‌توانستند از انواع وسایل ماشینی برای قطع اعضای بدن، از انگشتان تا دست‌ها و پاها، استفاده کنند.»



## » ارتش این‌جا یک کتاب سر بسته است.

هیچ کدام از ما نمی‌دانیم درونش چه می‌گذرد. اما اگر ارتشی‌ها از این‌که به داخل چنین جنگی که برای آن آمادگی نداشتند پرتاب شده‌اند، ناراضی باشند، [آن هم توسط] صدام که خودش نظامی نیست، در نتیجه شاید رئیس‌جمهور [صدام] در دردسر افتاده باشد.

یک دیپلمات ارشد غربی در عراق، ۸ آبان ۱۳۵۹

صدام با اتکا به این بازوهای امنیتی، خفقانی وحشتناک در عراق ایجاد کرد. مدتی پیش از این شکست‌ها مقامات گماشته‌شده‌ی صدام اعلام کرده بودند ۲۴ جرم در عراق مجازات مرگ دارد. به تعبیر کان کاکلین، «تعاریف این جرایم مستوجب مجازات مرگ، عمداً مبهم بود تا بتوان هر عملی را مشمول آن کرد. برای مثال افشای بدون اجازه‌ی اخبار و اطلاعات می‌توانست جرمی خائنانانه تعبیر شود که مستوجب مجازات مرگ است... در عراق دوران صدام تقریباً همه‌ی اطلاعات درباره‌ی دولت، اقتصاد و جامعه